

ستون در دو ردیف بوده قسمت عمده ته ستونها و بخشی از کف سنگی آنها باقی است از دو فضای واقع در دو انتهای تالار مرکزی اثری باقی نمانده است که معلوم دارد ایوان یا اتاقهایی بوده باشد. سنگ سیاه توأم با سنگ سفید در این بنا نیز بسیار بکار رفته در گاهیهای سنگی تالار از سنگ سیاه دارای نقوش برجسته با خطوط میخی بنام کورش بوده که قطعاتی از آن کشف گردیده است. ماده قرمز رنگ برای درز گیری سنگها و قطعات گل با سفید کاری نازک گچ و آجرهای قرمز رنگ به ابعاد $5/5 \times 32 \times 45$ سانتیمتر از مختصات دیگر این کاخ بشمار میرود. ارتفاع تالار مرکزی این کاخ احتمالاً قریب ده متر و ارتفاع بام ایوانهای آن بالغ بر $6/5$ متر میگشته است.

۶- نهرها و حوضچه های محوطه کاخها

یکی از اختصاصات پاسارگاد وجود نهرهای سنگی سفید است که به پهنای 30 سانتیمتر و گودی 13 سانتیمتر بآبهای 30 سانتیمتری بر هر طرف در طول محوطه آنجا احداث کرده بودند و در فواصل هر 14 متر یک حوضچه سنگی سفید یک پارچه بطول و عرض 87 سانتیمتر و گودی 35 سانتیمتر داشته است و در خاکبرداریهای سال 1329 قسمتهایی از آن در محوطه وسیع مشرق کاخ اختصاصی کورش کشف گردید و برای حفظ آنها مجدداً با خاک پوشانیده شد و وضع آنها میرساند که تمام محوطه پاسارگاد صورت پارک بسیار وسیعی را داشته بوسیله این نهرها و حوضچه ها آبیاری میگردیده است.

۷- ویرانه برج سنگی چهار گوش

بمسافت قریب نیم کیلو متری شمال کاخ اختصاصی کورش پیش از آنکه بکوهسار شمالی دشت مرغاب و تخت مادر سلیمان برسند ویرانه برج سنگی بلند بسیار موزونی پدیدار است (ش-۱۸) که تنها ضلع غربی برج باقی مانده سه ضلع دیگر آن منهدم گشته است. ارتفاع آن قریب 12 متر است که از 16 ردیف سنگهای بزرگ تراش سفید بسیار منظم و دقیق تشکیل میگردد و پهنای هر ضلع آن

۷/۳۵ متر بوده است - بوسیله پلکان منظم سنگی بدرون اطاق بالای برج میرفته اند که اکنون تنها مدخل اطاق بر دیوار باقیمانده مشهود است و از پلکان اثری نیست - این برج را بنام زندان سلیمان میخوانند و بعقیده بسیاری دانشمندان آرامگاه کامبیز بوده برخی هم آنرا آتشگده میدانند و نمونه نسبتاً سالم نظیر آن بنام کعبه زردشت در نقش رستم نزدیک تخت جمشید وجود دارد که شرح آن در جای خود خواهد آمد .

۸ - تخت سلیمان

بر فراز کوهستان شمال جلگه پاسارگاد (ش ۱۹) صفاً زیبائی با دیوار هائی از سنگهای سترک سپید رنگ ترتیب داده شده است (ش - ۲۰) که طول شرقی غربی آن متجاوز از ۸۰ متر و پهنای شمالی جنوبی آن در طرفین ۷۸ و در وسط قریب ۶۰ متر میباشد راه بالا رفتن آن بدلیل آثاریکه بر جانب شمالی آن در سال ۱۳۳۰ کشف گردید از آن جانب بوده است بالای آن اطاقها و آثاری از خشت بنیاد نهاده بودند که در سالهای ۱۳۳۰ ببعده خاکبرداری و آثار مکشوف تا حدی مرمت گردید - از روی قطعات ظروف سفالی مکشوف بر فراز صفاً میتوان پنداشت که این جایگاه بلند پیش از دوران هخامنشی هم مسکن مردمانی بوده با احتمال نزدیک یقین عبادتگاهی بشمار میرفته است و کورش هم این صفاً را چون مکانی متبرک ساخته و پرداخته بود .

علاوه بر تپه تخت سلیمان در تپه های دیگری بنام تل خاری نزدیک دهکده ابوالوردی و تپه نخودی نزدیک دهکده مبارک آباد نیز قطعات ظروف سفالی مربوط بادوار ما قبل تاریخ بدست آمده است و معلوم میدارد که جلگه پاسارگاد از هزاره چهارم پیش از میلاد محل سکونت مردمی بوده که مانند بسیاری مردم معاصر خود در سایر نقاط ایران دارای تمدن و هنر های قابل توجه بوده اند .

۹ - آتشگده پاسارگاد

بمسافت قریب يك كيلو متر ونیم از کاخ اختصاصی کورش بر جانب شمال

غربی مرغاب و دامنه غربی کوهسار دو تخته سنگ بزرگ سفید بابعاد $۲/۲۰ \times ۲/۶۰ \times ۲/۶۰$ متر در مجاورت تپه کوتاهی از خاک بمسافت ۹ متر از یکدیگر قرار دارد (ش - ۲۱) - این دو تخته سنگ را آتشگاه یا قربانگاه پاسارگاد میدانند و بطوریکه میدانیم در دوران هخامنشی نیایش خدای یکتا در فضای باز برابر آتش مقدس صورت می گرفته است و با انجام کاوشهایی در تپه مجاور تخته سنگهای مزبور بهتر میتوان بوضع بنا و آثار این مکان متبرک پی برد .

آثار پاسارگاد در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت تاریخی رسیده است.

۱۰- نبشته پهلوی تنگ براقی

اینک که شرح آثار پاسارگاد پایان مییابد مناسب میدانم اشاره به نبشته پهلوی ساسانی موجود در تنگ براقی بمسافت ۲۰۷ کیلومتری شمال غربی پاسارگاد نماید - نبشته مزبور بر تخته سنگی بابعاد ۱ متر $\times ۱/۴۰$ متر بوده مشتمل بر ۱۶ سطر که هر سطر ۹۰ سانتیمتر طول دارد میباشد و تخته سنگ در وسط تنگ براقی نزدیک دهانه صفت کوچک غار کم عمقی که در دل کوه پیشرفته است بیپلو قرار دارد - بواسطه درختان انبوه و سرسبزی که پیرامون آن روئیده استراحتگاهی با طراوت و خوش منظر است و مانند بسیاری از نقوش برجسته و نبشته های ساسانی میتوان پنداشت یکی از شاهنشاهان ساسانی که شاید بهرام باشد بمناسبت شکار و عبور از این محل بیلاقی آنرا بیادگار گذارده است و وضع تخته سنگ میرساند از محل خود جدا شده بر زمین افتاده است و با مساعد بودن وقت و فرصت کافی شاید در حوالی غار مزبور محل اصلی کتیبه و قسمتهای دیگر آن و احتمالاً آثار نقش برجسته ای هم مشهود گردد .

برای رسیدن به تنگ براقی میتوان از شیراز باطی ۱۸۰ کیلو متر از راه خلار - بیضا - تنگ طور - مهجن آباد - کامفیروز در تابستان بوسیله جیب بدانجا رفت همچنین از آباده از راه چغار - بهمن - نجف آباد - کولار - خسرو شیرین -

دز کرد با طی قریب ۱۵۰ کیلومتر بدانجامیرسند و از راه پاسارگاد هم با طی ۲۰۷ کیلومتر که از احمدآباد - فتح آباد - لاله گون - آسپاس - سده - دز کرد - تنگ براقی میگذرد میتوان به محل نبشته تاریخی مزبور رسید.

در سنگهای غار فوق الذکر حفره های کوچکی است که مردم آنها را محل سم براق میشناسند و در باره آن افسانه هائی میگویند و نام تنگ براقی نیز بهمین مناسبت گفته میشود. (۱)

قسمت سوم = پین پاسارگاد و مرودشت

۱- تل تیموران

چون از دشت مرغاب قصد عزیمت شیراز کنند در جاده اصلی کنونی از تنگ سعادت آباد گذشته بجلگه سعادت آباد میرسند - بلوک معروف ارسنجان در جانب مشرق این قسمت قرار دارد و راه فرعی از کنار تنگ سعادت آباد بدان سو میرود. در یک کیلو متری مغرب قصبه کوشک که از توابع ارسنجان است تپه ای به طول ۲۰۰ و پهنای ۱۴۰ متر واقع میباشد که بنام تل تیموران خوانده میشود و بلندترین نقطه آن ۶ متر ارتفاع دارد بر اثر گمانه های علمی در این تپه معلوم گشته است که از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تادوران اسلام مردگان را در آن دفن نموده اند و نمونه هائی هم از ظروف سفالی خاکستری یا قرمز با نقوش سیاه رنگ و تزیینات مختلف مفرغی از قبیل انگشتر و گردن بند و سنجاق و همچنین مجسمه های کوچک سفالی حیوانات در قبور پیش از تاریخ آن بدست آورده اند.

۲- تنگ بولاغی

علاوه بر جاده اصلی سابق الذکر که از تنگ سعادت آباد میگذرد راه قدیمی کاروان روی هم از دشت مرغاب بطرف جلگه سعادت آباد میرود که اکنون نیز گذرگاه

(۱) اطلاعات مربوط به نبشته فوق از گزارش شماره ۶۸۱ - ۳۶۸۷ اداره باستان شناسی فارس اقتباس شده است - نخستین بار آقای علی اکبر بصیری رئیس کتابخانه ملی فارس از وجود نبشته مزبور آگاهی یافته مراتب را با اطلاع اداره باستان شناسی فارس رسانیده اند.

چادر نشینان بوده بمحاذات آرامگاه کورش از تنگ خرم و با صفائی بنام تنگ بولانگی میگردد که آثار باستانی ادوار هخامنشی و قبل از آن در کنار و نزدیک آن وجود دارد و شایسته تحقیق و بررسی کافی است .

۳ - تل قلعه

در جلگه سعادت آباد بمسافتی در سمت راست جاّده تپّه بسیار بلند بزرگی است که تل قلعه خوانده میشود و در حدود بیست هزار متر مربع (۱۱۵ × ۱۷۰ متر) وسعت دارد - در سال ۱۳۲۹ قریب یک هفته از طرف بنگاه علمی تخت جمشید در آنجا گمانه هائی زده شد و قطعات سفالهای مربوط به هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد کشف گردید و کاوش مفصل آن موکول بفراهم شدن وسائل و فرصت مناسب است .

۴ - سیوند

پس از عبور از جلگه سعادت آباد به آبادی سیوند میرسند که در طول دره کنار رود خانه پلوار واقع است - آبادی سیوند هم مانند جلگه سعادت آباد چیزی که قابل تماشا باشد در بسر ندارد ولی از لحاظ اهمیت باستانی و موقعیت تاریخی شایسته توجه است - بمسافت قریب سه کیلومتر شمال غربی آن سمت راست رود خانه در دامنه کوهستان محلی بنام تنب کرم وجود دارد و کارگاه استخراج تخته سنگهای سفید بسیار بزرگی است که برای کاخها و ابنیه پاسارگاد و برخی اوقات هم آثار تخت جمشید بکار میبرده اند - این محل مهم در سال ۱۳۳۴ بوسیله بنگاه علمی تخت جمشید کشف گردید و راز مجهولی را که از بابت استخراج سنگهای سفید پاسارگاد و تخت جمشید در میان بود روشن ساخت نام محلی کارگاه کوه الماس بری است - در حول و حوش سیوند استودانهائی از عهد ساسانیان که جایگاه سپردن استخوانهای مردگان بوده است نیز وجود دارد و در محلی بنام تنگ خشک به مسافت ده کیلو متر مغرب تنب کرم سابق الذکر کنار برخی از این استودانها بنشته هائی بخط پهلوی دیده میشود .

فا گفته نماید که زبان محلی مردم سیوند لهجه مخصوصی شبیه مردم مازندرانست و نام سیوند هم مانند نامهای سیستان و قبیله سگوند (که در جنوب لرستان و شمال خوزستان ساکن هستند) و سقز و محلی بنام سگوان که سیوان هم میگویند (در آذربایجان ۵۱ کیلومتری تبریز کنار راه مرند) و سیگا رود یا سیکا رود در يك فرسنگی مشرق لنگرود (گیلان) و محلهای دیگری در ایران از لحاظ ارتباط احتمالی آن با سکونت و مهاجرت تیره‌هائی از اقوام سکا در ادوار باستانی بایران شایسته تأمل و تحقیق میباشد.

۵ - دو تپه ما قبل تاریخی بین سیوند و سیدان

پس از خروج از آبادی سیوند چون راهرا بسمت جنوب ادامه دهند دره سیوند پهنتر میشود و در برخی نقاط از محوطه های نسبتاً وسیعی میگذرد. در مسافت بین سیوند و سیدان بر جانب مغرب جاده کنار کوهستان دو تپه ما قبل تاریخی واقع گردیده است که یکی تل شوره و دیگری گود نرم نام دارد.

۶ - آثار تاریخی سیدان

تپه ما قبل تاریخی علی آباد:

پس از خروج از دره سیوند به جلگه خفرک میرسند و طولی نمیکشد که راه بسمت راست میبجید و در محاذات محل انحراف جاده آبادی معموری بنام سیدان (بروزن میدان) بر جانب چپ قرار دارد. نزدیک این آبادی تپه‌ای بنام علی آباد واقعست که احتمال میرود از نظر وجود نمونه‌های آثار ما قبل از تاریخ درخور کاوش علمی باشد.

آتشدان سنگی

در یکی از باغهای دور دست سیدان که باغ بدره نام دارد تخته سنگی که آتشدان عهد هخامنشی است به بلندی ۲/۱۵ متر نزدیک کوهستان بمسافت کمی از استخر آب و چشمه سارهای گوشه باغ واقع میباشد و آنرا بصورت نزدیک به هر مربع القاعده ناقص در آورده‌اند (ش - ۲۲) و گودال جای آتش بر بالای آن دیده میشود و

هم اکنون نیز مکان متبر کی بوده مقابر مردم در نزدیکی و کنار آنست و مزار امامزاده فاطمه نام دارد و زیارتگاه ساکنین آن حدود بخصوص در روزهای جمعه میباشد و علامتی از چوب با دخیل و پارچه‌هایی که بان بسته‌اند در کنار آتشدان مزبور بر زمین نصب میکنند - نزدیک آن آتشدانهای سنگی ساده دیگر در سنگهای کف باغ موجود است .

آثار عهد هخامنشی در قره‌قلات

در دامنه کوهستان متصل به سیدان و بمسافت دو کیلومتری باغ سابق الذکر تنگ کوچکی وجود دارد که دو چشمه آب باریک از آن جاری است و برای مشروب ساختن چند باغ کفایت میکند - نزدیک تنگ مزبور بر فراز بلندی مختصر کوهستان صفت کوچکی بوسعت دو بیست تا سیصد متر مربع ترتیب داده‌اند که چند قطعه ستون عهد هخامنشی (ش - ۲۳) (یکی از آنها بطول یک متر و نیم از سنگ سیاه و دو قطعه کوچکتر و یک ته‌ستون و یک قطعه سنگ نیمه تراش) در انجا باقی است - این محل بنام قره‌قلات خوانده میشود و نام کوهستان مجاور آن نیز قره‌قلات است - از فراز این صفت کوچک منظر زیبای آبادی سیدان و تمام جلگه خفرك تا کوه رحمت در معرض چشم‌انداز شخص واقع میگردد و چنین تصور میشود که در روزگار قدیم سایبان و استراحتگاه یا محلی برای نهار خوری و امثال آن در این نقطه احداث نموده از منظر و صفا و موقعیت طبیعی آن بهره‌مند میگشته‌اند. (۱)

دهکده آباد و وسیع دیگری نیز کمی دورتر از سیدان هست که فاروق نام دارد و نام آن در کتیبه خط کوفی که بنام ابو کالنجر فرزند عضدالدوله بر دیوار کاخ کوچک داریوش در تخت جمشید نقر گردیده است مذکور میباشد و حکایت از پیروزی این شهریار سال ۴۱۸ هجری در فاروق مینماید

(۱) اطلاعات مذکور در باره آثار عهد هخامنشی در قره‌قلات از قسمتی از گزارش ۶۷۸ - ۳۸۷۸۸ بنگاه علمی تخت جمشید استخراج و استفاده گردیده است .

۷ - تل قلعه حسن آباد

در دو کیلومتری مغرب قریه حسن آباد در بلوک خفرك سفلی تپه نامنظمی وجود دارد که ارتفاع قسمت مرکزی آن بالغ بر ۱۵ متر میشود - تپه مزبور از مهمترین تپه‌های باستانی خفرك سفلی است و در نتیجه گمانه‌های علمی آنجا آثار تمدنهای معاصر و شیبه با آنچه در تل تیموران (که ذکر آن گذشت) بدست آمده است هویدا شد - ضمناً معلوم گردید گورستان مردمی از ادوار پیش از تاریخ که از حدود ۳۸۰۰ تا ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در آن نواحی زندگی میکرده‌اند بوده است

۸ - تل کمین

در دو کیلومتری مغرب قصبه حسن آباد در بلوک خفرك علیا تپه دایره‌شکلی بقطر ۲۵۰ متر وجود دارد که بنام تل کمین خوانده میشود و در آن قبوری مربوط به ۱۷۰۰ تا دوهزار سال پیش از میلاد مسیح وجود دارد - ضمن مختصر کاوشی که در این تپه بعمل آمد ظروف سفالی نیم پخته بشکل فنجان دسته‌دار و طشتکها و لیوانهای استوانه‌ منقوش و قطعات ظروف سفالی زرد روشن با نقوش قهوه‌ای تیره رنگ بدست آمده است و میرساند که تپه مزبور در هزاره دوم پیش از میلاد مدتی محل سکونت مردم و زمانی هم گورستان بوده است .

۹ - تل گپ زنگی آباد

در چهار کیلومتری جنوب غربی قریه زنگی آباد در بلوک خفرك علیا تپه کوچکی است که مردم نام معکوس بدان داده‌اند آنرا تل گپ میخوانند - بر اثر گمانه‌مختصری که در آن زده‌اند قبوری حاوی ظروف سفالی و اشیاء مفرغی کشف گردید که از حیث قدمت و طرز کار با آثار مشکوف در تل تیموران و تل قلعه و تل کمین بر ابری مینماید .

قسمت چهارم = مرودشت

پس از پیمودن عرض جلگه خفرك به کوهستان رحمت میرسند. این کوه در سراسر جانب غربی جلگه خفرك امتداد دارد و سوی دیگر یعنی جانب شرقی آن جلگه بسیار مهم تاریخی و پهناور مرودشت واقع است - آثار معظم تخت جمشید هم در محلی از دامنه شرقی همین کوه قرار دارد و چون پیش از آنکه وارد جلگه مرودشت شوند بویرانه های استخر میرسند لذا ذکر اجمالی ویرانه های استخر را بر آنچه در جلگه مزبور است مقدم می‌شناسد.

۱ - ویرانه های استخر (تخت طاووس)

هنگامیکه جلگه خفرك را پشت سر گذارند جاده از پائین دامنه های شمالی کوه رحمت میگذرد و در این موقع دره عریضی که بین جلگه های خفرك و مرودشت واقعست در سمت راست قرار میگیرد - جانب شمالی این دره به کوهستان حاجی آباد و جنوب آن بکوه رحمت محصور بوده و رودخانه پلوار که بنام رود سیوند نیز خوانده میشود از وسط آن عبور میکند - ویرانه های شهر استخر که نام محلی آن تخت طاووس است در همین محل واقع گردیده دروازه سنگی آن سمت چپ کنار جاده متصل به کوهستان جلب نظر مینماید و آثار باروهای خشتی در سمت راست پدیدار است و چون بر فراز ویرانه های آن روند يك ستون سنگی و دیوارهای سنگی عهد هخامنشی که در دوران اسلام برای مسجد بکار رفته بود جلب نظر مینماید و اثر مهم دیگری بیرون از خاک دیده نمیشود.

ضمن کاوشهایی که در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۸ از طرف هیئت علمی دانشگاه شیکاگو در ویرانه های استخر بعمل آمد بقایای ابنیه ادوار اسلامی و ساسانی و اشکانی و ظروف و آثار قرون اولیه هجرت کشف گردید و بایه ها و قطعات ستونهای عهد هخامنشی که در ساختمانهای دوره های بعدی بکار رفته بود هویدا شد و هر اندازه تجسس گردید اثری از بنای دوره هخامنشی که در محل اصلی خود باقی باشد

مشهود نگشت و طبعاً با سوانح و انقلاباتی که در مدت ۱۶ قرن یعنی از دوران هخامنشی تا قرن پنجم هجری که روزگار شهر تاریخی استخر سپری میگردد بر این شهر وارد آمده است آثار آن بجای خود نمانده مگر زیر و رو شده است لکن در عین حال میتوان پنداشت که استخر دوران هخامنشی در محلی بیرون از محوطه‌ای باشد که اینک بنام تخت طاووس میخوانند و چون در تواریخ قدیم حدود استخر را از جانب شرق و غرب چند فرسنگ ذکر کرده‌اند بعید نمی‌نماید که ویرانه‌های استخر در دوران اسلام تنها شامل قسمتی از مکان این شهر باستانی بوده باشد و در هر صورت اطلاع درست از وضع آثار مدفون شهر مهم استخر نیازمند کاوشهای دامنهدار با فرصت و وسایل کافی میباشد - این مکان تاریخی در تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت تاریخی رسیده است .

مسافت ویرانه‌های استخر تا آثار تخت جمشید هفت کیلومتر است و در این مسافت آثار تاریخی متعددی وجود دارد که از نظر اهمیت بیشتر تخت جمشید و آسان ساختن طرز راهنمایی با آثار تاریخی دیگر بهتر بنظر میرسد قبلاً بشرح تخت جمشید پردازد .

۲ - تخت جمشید

در محلی از دامنه شرقی کوه رحمت که تپه سنگی از کوهسار بطرف جلگه مرو دشت پیش آمدگی دارد بفرمان داریوش اول کرانه‌های تپه را بریده سنگهای تراش بسیار بزرگی بر آن نهاده‌اند و بدینوسیله دیوار عظیم سنگی مضرسی بوجود آورده‌اند که قسمتهائی از آن صخره طبیعی و بقیه آن از تخته سنگهای مزبور تشکیل یافته است (ش - ۲۴) صفة که بدین ترتیب ایجاد گردیده است بدر ازای شمالی جنوبی قریب ۴۵۰ متر و پهنای شرقی غربی ۳۰۰ متر بطور متوسط میباشد و از جانب مغرب بکوه رحمت پیوسته از سه جانب دیگر به جلگه پهناور مرو دشت مشرف است (ش - ۲۵) بمسافت مختصری از جوانب شمالی و جنوبی صفة هم پیش آمدگیهائی

از کوه وجود دارد که دو جانب محوطه پائین صفا بدانها محدود میگردد. کاخهای معظم شاهنشاهان هخامنشی از زمان داریوش اول یعنی از سال ۵۲۱ پیش از میلاد مسیح تا پیش از صد و پنجاه سال پس از آن بر فراز این صفا عظیم بنیاد گردیده (ش - ۲۶) نام داریوش اول و فرزندش خشایارشا و در برخی قسمت‌ها نام اردشیر اول و اردشیر سوم بر سنگ‌نبشته‌های میخی کاخهای مزبور نقر گردیده است و با توجه به اسناد نوشته مزبور میتوان فهمید که داریوش اول دست‌بکار احداث این آثار معظم گردیده آنچه در زمان وی پایان یافته بنام خودش عنوان شده است پس از او هم خشایارشا کارهای ساختمانی را ادامه میداده آثار دوران وی بنام این شهریار ذکر گشته است و اردشیر اول و اردشیر سوم نیز بعضی ابنیه و آثار را پایان بخشیده یا تغییر داده یا الحاقاتی بر آثار پیشین افزوده‌اند.

نوشته بزرگی که بر دیوار جنوبی صفا دیده میشود بنام داریوش کبیر است بنابراین صفا تخت جمشید را در زمان این شهریار احداث نموده‌اند. نقشه کوچکی از آثار تخت جمشید بمنظور تسهیل آشنائی با هر قسمت ضمن تصاویر آخر کتاب (ش - ۲۷) از نظر خوانندگان گرام میگردد.

راه ورود بصفا پلکان دو طرفه بسیار بزرگی است که بر ضلع غربی صفا ایجاد کرده‌اند و از هر طرف شامل صد و ده پلکان عریض کوتاه میباشد. (ش ۲۸ و ۲۹). بر بالای پلکان مزبور بنای ورودی تخت جمشید قرار داد که عبارت از ساختمان معظم شیوائی مشتمل بر سه دروازه و تالار چهار ستونی است. بر دروازه معظم بالای پلکان شکل گاوهای بزرگ و بر دروازه مقابل آن که روبکوه واقع است پیکر گاوهای بالدار با سر انسان را حجاری نموده‌اند (ش - ۳۰) و نبشته‌های بالای این نقوش به سه زبان پارسی باستانی و عیلامی و بابلی اتمام بنای ورودی را بفرمان و در دوران خشایارشا میرساند (۱) - دروازه سوم بنای ورودی بطرف جنوب قرار دارد

(۱) بطور کلی عموم نبشته‌های میخی تخت جمشید حاوی نیایش اهورامزدا و ستایش وی از آفریدن زمین و آسمان و مردم و بر گردن شهریاری برای مردم و نام خشایارشا (در برخی نبشته‌ها نام اردشیر سوم) و پدر و نیای او و درخواست از اهورامزدا که آنچه وسیله شهریار مرزور ساخته شده است و هم خود وی را در پناه خویش محفوظ بدارد میباشد.

و از دو دروازه دیگر پهنتر بوده تنها کف و بنیاد آنرا از سنگ ساخته اند و بهمین جهت بر خلاف دو دروازه دیگر دیوارها و نقوش سنگی از آن بجای نمانده است.

از این دروازه بحیاط شمالی کاخ آپادانا یا آپدانه یعنی کاخ بزرگ بار میرفته اند که ستونهای باقیمانده و نقوش برجسته پلکانهای زیبا و بی نظیر آن هنوز شاهد عظمت و جلال کاخ مزبور است (ش-۳۱ و ۳۲) کاخ آپادانا از دو جانب شمال و مشرق دارای پلکانهای زیبایی است که از حیاطهای آندو سمت بدرون ایوانهای آن بالا میرفته اند نقوش روی دیوارهای هر دو پلکان در سه ردیف بزرگ جانب شامل صف افسران و سربازان و عرابه ها و اسبهای شاهی بوده (ش-۳۳ و ۳۴) در جانب دیگر بیست و سه مجلس تصاویر نمایندگان استانهای مختلف کشور شاهنشاهی هخامنشی را در حال عرضه داشت هدایای خود و باریافتن بحضور شاهنشاه ایران مینماید (ش-۳۵) و یکنفر حاجب پارسی یا مادی دست رئیس نمایندگان هر یک از استانهای کشور را گرفته نزد شاهنشاه رهبریشان میکند (ش-۳۶).

بیست و سه مجلس تصاویر نمایندگان استانهای مختلف کشور هخامنشی از نظر اهمیت تاریخی و نمایاندن وضع لباس و هیئت کلی ساکنین هر استان و درجه تمدن و صنعت آنان بهترین معرف اقوام و ملل تابع شاهنشاهی ایران در دوران هخامنشی محسوب میگردد و بدین لحاظ تاحدی که از روی قرائن موجود میتوان اظهار نمود بمعرفی نقوش مزبور میپردازد و چون نقوش دیواره های پلکان شرقی کاخ آپادانا بهتر و محفوظتر مانده است لذا از روی نقوش دیواره اخیر توضیحاتی که مناسب بنظر میرسد مذکور می افتد.

از این بیست و سه مجلس هفت مجلس در ردیف بالا و شش مجلس در ردیف وسط و پنج مجلس در ردیف پائین نموده شده پنج مجلس نیز بر روی انتهای دیواره پلکان بالای نقش شیرو گاو حجاری گردیده است.

هفت مجلس ردیف بالا به ترتیب نمایندگان ماد (شمال غرب و قسمتی از مغرب ایران کنونی) (ش-۳۷) - خوز (خوزستان کنونی) (ش-۳۸) - پارت

(خراسان) (ش-۳۹) - ملتی شبیه پارتیان یعنی نمایندگان سفدیباختر (ش-۴۰) - مصر (که نیمه بالای حجاری این مجلس ریخته و از میان رفته است) - زرنکا (سیستان کنونی) - خوارزم را نشان میدهد.

درشش مجلس ردیف وسط نمایندگان ارمنستان (ش-۴۱) - بابل (ش-۴۲) - کیلیکیه (قسمت جنوبی آسیای صغیر) (ش-۴۳) - سیکان تیز خود (ش-۴۴) آشور (ش-۴۵) - سیکان هوم و رک (یعنی سگهای آن سوی رود سیحون) دیده میشوند.

پنج مجلس ردیف پائین مشتمل بر تصاویر نمایندگان فینقیه (سر زمین کنونی لبنان) (ش-۴۶) - کاپادوکیه (قسمت شرقی آسیای صغیر) (ش-۴۷) - یونانیان سارد (ش-۴۸) - مردم هارواتی یعنی ساکنین رنج در افغانستان (ش-۴۹) - هندیان (ش-۵۰) است.

پنج ملتی که روی دیواره قسمت انتهای پلکان بالای نقش شیرو گاو نموده شده اند عبارتست از نمایندگان سکودرا (نواحی واقع در مقدونیه در شمال یونان) - عربستان - درنگیان (در شمال سیستان) (ش-۵۱) - پونتی (طرابلس غرب در شمال افریقا) - سرزمین کوشا (حبشه).

تشخیص ملتهای فوق با تطبیق نقوش دخمه ها و نبشته های هر کدام و قرائن و بررسیهای مختلف صورت گرفته تا حدی که میسر بوده درباره آنها دقت شده است و در برخی موارد با کتابها و مراجع دیگر اختلاف دارد و توضیح و تفسیر زیادتر در باره آنها خارج از حوصله این کتاب میباشد و جای تحقیق بیشتر درباره آنها هنوز باقی است.

الواح بزرگ نبشته های میخی بزبانهای پارسی باستانی و عیلامی و بابلی در انتهای نقوش برجسته مزبور نظیر نبشته های دیگر بنام خشایارشا بوده میرساند که در زمان این شهریار کاخ مزبور یا بان پذیرفته است - در قسمت وسط هر دو پلکان که بطرف حیاط پیش آمده است تصویر درشت هشت سر باز یارسی و مادی را حجاری نموده اند.

وضع اجمالی کاخ آپادانا بدین ترتیب است که از هر کدام از پیلکانهای شمالی و شرقی بایوان بزرگی بطول ۶۰/۷۰ متر و پهنای قریب ۱۵ متر بالا میرفته‌اند (ش-۵۲). هر کدام این ایوانها دارای دوازده ستون سنگی به بلندی ۱۸ متر بوده (ش-۵۳) از ایوان شمالی بوسیله دو استانه و از ایوان شرقی بوسیله يك استانه بدرون تالار بزرگ مرکزی کاخ میرفته‌اند. کلفتی دیوار خشتی بین ایوانها و تالار ۵ متر و نیم است و آثار آن با سوراخهای آب رو که بوسیله آنها آب باران پشت بام وسیع از میان دیوار به مجراهای زیرزمینی میرفته است موجود و مشهود میباشد. ایوانی هم نظیر دو ایوان مزبور بطرف مغرب داشته که چشم انداز آن بجلگه پهناور مرودشت بوده مانند ایوان شرقی بوسیله يك استانه بتالار مرکزی ارتباط مییافته است. سر ستونهای کاخ آپادانا را از سنگهای يك پارچه بزرگ بصورت دو نیم تنه شیر یا گاو یا هیكلهای حیوان با سر انسان حجاری کرده بودند و نمونه هائی از آنها هم که بکار نرفته است در خاکبرداریهای قسمت شمال صقه تخت جمشید هویدا گشته است (ش ۵۴ و ۵۵).

هنگامی که کاخ آپدانه بفرمان داریوش کبیر ساخته میشد در هر يك از چهار گوشه تالار مرکزی آن در زیر خشتهای دیوار جعبه سنگی نهاده درون هر جعبه لوح چهارگوشی از زر و لوحی نظیر آن از سیم بنام داریوش قرار داده‌اند. هر ضلع الواح مزبور ۳۳ سانتیمتر بوده مضمون آن نام داریوش و پدر و نیای او و سپاس از آهورامزدا و ذکر چهار گوشه کشور شاهنشاهی (هندوستان - سکستان آن طرف سغد - حبشه - ساحل مدیترانه) را در بردارد. دو عدد از چهار جعبه مزبور با الواح آنها از میان رفته و دو جعبه دیگر با الواح آنها در اواخر شهریور سال ۱۳۱۲ کشف گردید که یکی در موزه سلطنتی کاخ مرمر و دیگری در موزه ایرانبستان نگهداری میشود (ش-۵۶). هر ضلع تالار مرکزی ۶۰/۷۰ متر بوده درون آن ۶ ردیف در ۶ ردیف جمعاً ۳۶ ستون هر کدام بار تفاع ۱۸ متر قرار داشته است.

کاخ بزرگ و مهم دیگر تخت جمشید در مشرق صقه بین کاخ آپدانه و کوهستان واقع بوده بعلت وجود صد ستون در تالار اصلی آن بنام صد ستون خوانده

میشود (ش-۵۷).

نقشهٔ اجمالی کاخ صد ستون بدینقرار بوده است که ایوانی بدرازای ۵۶ متر و کسری و پهنای بیش از ۱۶ متر و نیم دارای دو ردیف ستون سنگی هر ردیف ۸ ستون در سمت جنوب حیاط وسیعی واقع بوده است. حیاط مزبور در جانب شمال سردر نیمه تمامی داشته که از آن بوسیله راهرو عریضی مستقیماً به عمارت ورودی تخت جمشید ارتباط مییافته اند (ش-۵۸). در مشرق آن حیاط درپائین کوه نیز ایوانی دارای ۸ ستون و در عقب ایوان تالار بزرگی دارای ۴ ردیف هر ردیف ۸ ستون قرار داشته است. در دو جانب ایوان بزرگ کاخ نقش برجستهٔ گاو های بزرگ نظیر آنچه در بالای پلکان بزرگ دیده میشود حجاری کرده بودند. تالار اصلی کاخ در پشت ایوان بزرگ مزبور یعنی جنوب آن قرار گرفته دارای ده ردیف در ده ردیف ستون بوده است و بوسیلهٔ دو دروازه بلند و عریض سنگی به ایوان راه داشته است. بر روی بدنه های این دو دروازه نقش سربازان پارسی و مدی حجاری گردیده بالای آنها نقش شاه بر اورنگ شاهی با نقوش صاحبان مقامات نزدیک به شاهنشاه بنظر میرسد. علاوه بر دو دروازهٔ فوق هفت پنجره از تالار بایوان شمالی باز میشود است. هر ضلع تالار صد ستون ۶۵ متر و نیم بوده دو دروازهٔ بلند هم در سمت جنوب آن قرار دارد (ش-۵۹) که از آنها باطاقهای باریک آن سمت میرفته اند و بر روی بدنهٔ آنها نیز تصویر شاه بر فراز اورنگ شاهی با گماشتگان مخصوص حجاری گردیده زیر تخت روی هر بدنه نقش چهارده نفر که هر کدام نمایندهٔ یکی از اقوام تابع شاهنشاهی هخامنشی بودند ملاحظه میشود (ش-۶۰). در هر یک از دو ضلع شرقی و غربی تالار هم دو دروازهٔ سنگی وجود دارد که بر بدنهٔ آنها پیکار شاه را با مظاهر گوناگون اهریمن نموده اند (ش ۶۱ و ۶۲ و ۶۳) و این دو دروازه ها وسیلهٔ ارتباط تالار با اطاقهای باریک پشت تالار بشمار میرفته است. در فضای بین تالار صد ستون و کوهستان ابنیهٔ خشتی وجود داشته است که از بررسی نقشهٔ آنها میتوان چنین استنباط نمود که محل اسبان خاص و عرابه های شاهی بوده بوسیله راهروهای مناسب با حیاط وسیع کاخ صد ستون مربوط میگشته است (ش-۵۷).

در جنوب حیاط واقع بین کاخهای آبدانه و صد ستون آثار کاخ مهم دیگری پدیدار است که نظر بموقعیت آن در وسط صَفّه تخت جمشید بنام کاخ مرکزی خوانده میشود و بمناسبت اینکه دارای سه دروازه سنگی بوده است آنرا کاخ سه دروازه هم نامیده اند .

این کاخ دارای پلکان دو جانبه زیبائی در سمت شمال است که نقوش سر بازان و افسران پارسی و مادی بر جبهه های خارجی و داخلی آن بوضع شیوائی نمایان میباشد (ش ۶۴ و ۶۵) - از پلکان مزبور بایوان دوستونی بلندی بالامیرفته اند و از ایوان بدرون سرسرای مرکزی کاخ که دارای چهار ستون سنگی بوده است راه مییافته اند - در سمت مشرق سرسرا اطاقی بوده است که فقط آثار دروازه سنگی آن باقی و دارای نقش برجسته منحصری میباشد که داریوش را بر اورنگ شاهی نشان میدهد و خشایارشا ولیعهدوی پشت سر او ایستاده است و ۲۸ نفر نمایندگان ۲۸ استان کشور شاهنشاهی تخت شهریار را بالای دست نگاه داشته اند - ایوان دوستونی قرینه ایوان شمالی با حیاط کوچکی در سمت جنوب سرسرای مرکزی واقع بوده است که از آن سوبه کاخهای کوچک داریوش و خشایارشا میرفته اند - پلکان کوچک ظریفی هم در سمت جنوب حیاط مزبور قرار داشت که با نمونه سرستون عالی دارای سر انسان و تنه حیوان و قطعات ستون کوچک دیگر آن کاخ در سال ۱۳۱۷ بموزه ایران باستان منتقل گردید و در غرفه هخامنشی آنجا حفظ میشود (ش ۶۶ تا ۶۹) .

در مغرب کاخ مرکزی تَبّه فروریخته ای که از خرده سنک انباشته است پدیدار میباشد و از قرائن چنین بر میاید که این تَبّه مصنوعی محلّ معبد تخت جمشید یا کاخ مرتفعی بوده است که در اواخر دوره هخامنشی و احتمالاً دوره ساسانی وضع آنرا بهم زده قطعات پلکانها و نقوش برجسته آنرا در محلّهای دیگر بکار بسته باشند - کاخ آپادانا نسبت به تَبّه مصنوعی مورد ذکر در جهت شمال قرار دارد - در مجاورت تَبّه مزبور نزدیک کرانه غربی صَفّه تخت جمشید آثار کاخ کوچک داریوش کبیر هویدا است (ش ۷۰ تا ۷۲) که بهترین و مستحکم ترین آثار سنگی موجود تخت جمشید را نشان میدهد - در نبشته های بالای نقش داریوش نام این کاخ تَچَر ذکر گردیده

است که بگفته مر حوم پرفسور هر تسفلد احتمالاً معنی قصر زمستانی میدهد. بعلت صیقل قسمتهائی از سنگهای آن که انعکاس صورت در آن دیده میشود مردم آنرا تالار آئینه میخوانند. از نوشته‌های میخی این کاخ معلوم میگردد که خشایارشا کارهای ناتمام آنرا پایان بخشیده و اردشیر سوم پلکان و مدخلی بر جانب غربی آن افزوده است. نوشته‌های متعدد بخط پهلوی و کوفی و ثلث و نسخ و نستعلیق که یادگار شاهان و بزرگان و راهگذران مختلف است و بعضی از آنها اهمیت تاریخی فراوان دارد بر سنگهای مستحکم این کاخ نقر گشته است و امتیاز دیگر آن بشمار میرود (۱).

حیاط این کاخ در جنوب آن واقعست و در جنوب حیاط نقوش برجسته و نبشته‌ها و آثار بنای مغشوشی دیده میشود که مربوط به اردشیر سوم بوده از محل دیگر بمکان فعلی انتقال یافته است و با احتمال زیاد قبلاً در ساختمانی که محل تیّه مصنوعی سابق الذکر را اشغال میکرده واقع بوده است.

متصل به این آثار مغشوش بر فراز صفت سنگی که بلندترین قسمت صخره طبیعی محل تخت جمشید است بقایای سنگی کاخ دیگری دیده میشود که نقشه و موقعیت آن بر کلیه بناهای دیگر تخت جمشید بر تری دارد و در روزگار آبادانی زیباترین کاخهای مجلل تخت جمشید بوده است. نبشته‌های بالای پایه‌ها و تصاویر شاه (ش ۷۳) تماماً بنام خشایارشا بوده عموم دانشمندان عنوان کاخ کوچک خشایارشا بآن داده‌اند.

در محوطه پائین و پستی که در جنوب کاخ کوچک خشایارشا واقع گردیده است اطاقهای چهار گوش مشابه هم قرار دارد که هر کدام دارای چهار ستون بوده است و اطاق باریکی هم که حکم پستو و صندوقخانه را داشته است در مجاورت هر کدام واقع میباشد. بین ردیف اطاقها نیز دهلیزهای طولانی وسیله ارتباط آنها بوده است. مجموع این ابنیه را قسمتی از اندرون کاخهای تخت جمشید میشناسند و بوسیله دو پلکان از کاخ خشایارشا بدانجامیرفته‌اند و آثار پلکانهای مزبور در دو انتهای مهتابی باریک جنوب

(۱) در صفحه ۱۹ اشاره به یکی از کتیبه‌های تاریخی مورد ذکر که بنام ابوالنجار است گردید

کاخ مزبور موجود است.

کاخ هم که تجدید ساختمان کرده‌اند و محلّ بنگاه علمی و موزه تخت جمشید و تأسیسات و متعلقات این مرکز علمی است قسمت اصلی اندرون بشمار میرود (ش ۷۴ تا ۷۶) و سنگ نبشته‌ای که بسال ۱۳۱۰ در زیر دیوار خشتی گوشه جنوب غربی آن کشف گردید معلوم داشت که از آثار خشایارشا است. لکن قبلاً در همان محلّ بنای دیگری از عهد داریوش موجود بود که در زمان خشایارشا آنرا برداشته بجای آن بنای جدید را ساختند و نشانه هائی از بنای اولیه قبلی در قسمت‌هایی از بنای کنونی موجود و مشهود میباشد.

سراسر محوطه وسیعی که بین کاخ اندرون و کوهستان قرار دارد مشتمل بر تالارها و حیاط‌ها و ایوانها و اطاقها و دهلیزهایی بوده است که عموم آنها را زمان داریوش کبیر ساخته بودند و جز دو نقش برجسته سنگی (ش - ۷۷) و پایه‌های ستونها بقیه آنها از خشت و چوب بوده است و از قرار معلوم پیش از آنکه ساختمان کاخهای معظم آید آنه و صد ستون بزرگ پایان پذیرد مراسم سلام و آئین جشنهای نوروز و مهرگان و غیره در این ابنیه صورت میگرفته است. وجود تالار مستطیل صد ستونی و تالار چهار گوش ۹۹ ستونی و وضع کلیه بنا نیز این نظر را تأیید مینماید بخصوص که قطعات مجسمه و مقدار زیادی ظروف سنگی شکسته کار مصر در خاکبرداریهای این محلّ پیدا شد و معلوم داشت که محلّ جشنها و پذیرائیها عملاً در آنجا بوده است و بمناسبت کشف اشیاء اخیر این قسمت را خزانه تخت جمشید نامیده‌اند. (بک نقش برجسته بزرگ و مهمترین اشیاء مکشوف در قسمت خزانه تخت جمشید در موزه ایران باستان است) در زیر تمام کاخهای تخت جمشید آب رو زیر زمینی از سنگهای تراش بزرگ ایجاد کرده بودند که آب باران و فاضل آب تمام کاخ را بیرون میبرده است و بوسیله پلکان منظم سنگی که در یکی از اطاقهای پائین کوه رحمت در نزدیکی تالار بزرگ صد ستون قرار دارد میتوان بدرون این مجرا راه یافت.

چاه بزرگ سنگی و آثار اطاقهایی که محلّ سربازان و گماشتگان کاخ بوده است در دامنه کوه رحمت مشهود و بر فراز تمام خطّ الراس کوهسار هم تپه

خاکی باریکی وجود دارد که نشانهٔ برج و با روی خشتی بوده در حقیقت حصار کاخها از سمت کوهستان بشمار میرفته است.

در سینهٔ کوه نیز دو دخمه موجود است یکی محاذی تالار بزرگ صدستون (ش-۷۸) و دیگری کمی دورتر از گوشهٔ جنوب شرقی صفه - بیرون هر دو دخمه مانند نظائر آنها که در نقش رستم موجود است و ذکر آنها خواهد آمد تصویر شاه در حال عبادت بر فراز اورنگ شاهی در مقابل آتش مقدس و فروهر دیده میشود و ۲۸ نفر نمایندگان ۲۸ استان کشور تخت شهریار را بالای دست گرفته‌اند - دخمهٔ شمالی منسوب باردشیر دوم و مشتمل بر دو آرامگاه بوده دخمهٔ دیگر متعلق باردشیر سوم شناخته شده دارای شش آرامگاه است و نام نمایندگان هر یک از ملتهای تابعه بر بالای سر آن بخط میخی منقور میباشد. (ش ۷۹ و ۸۰)

در محوطهٔ جنوبی بیرون صفهٔ تخت جمشید هم کاخهایی از دوران هخامنشی بنیاد نهاده بودند که قسمتهایی از آنها و یک استخر بزرگ سنگی خاکبرداری و هویدا شده است (ش ۸۱) و همچنین بر روی شال ته ستونی در یکی از کاخهای مکشوف در محوطهٔ نامبرده نام خشایارشا باز کر کلمهٔ تچر منقور گردیده است و میرساند عمارت زمستانی برای آن شهریار در این قسمت ساخته بودند.

بر بالای پیش آمدگی کوهسار در انتهای محوطهٔ مزبور آرامگاه نیمه تمامی از سنگ کوه پدیدار است که منتسب به داریوش سوم و اسپین شاهنشاه هخامنشی میباشد.

در محوطهٔ شمالی خارج از صفهٔ بعثت اینکه مسیل کوهسار است کمتر خاکبرداری نموده اند و سنگهای زبره تراش چند که جهت سر ستون آماده میساخته اند در پائین کوه باقی است و در گوشهٔ شمال شرقی آن محوطه نیز در گاه سنگی هویدا است که بطور یقین در ادوار بعد از هخامنشی از کاخ کوچک داریوش با آنجا برده و مورد استفاده قرار داده اند.

به مسافت یک کیلومتری شمال صفهٔ تخت جمشید در جانب راست شاهرام شیراز به اصفهان گورستانی مربوط به بعد از دوران هخامنشی و احتمالاً نزدیکتر

بعهد اسلام در کف جلگه نزدیک کوهستان رحمت وجود دارد که در تابستان ۱۳۱۸ ضمن خاکبرداری کارگران راهسازی آن محل چند عدد از گورهای باستانی هویدا شد و هیئت علمی دانشگاه شیکاگو که آخرین ماههای اقامت خود را در تخت جمشید میگذارند (۱) در آنجا بتحقیق و تجسس پرداخت و در نتیجه کاوش علمی تعداد ۳۱ گور سفالی نزدیک هم کشف گردید. قسمت اعظم گورهای مزبور هر کدام از دو پارچه سفالی (طول هر کدام ۸۰ سانتیمتر و عرض قسمت پهن تر ۵۵ سانتیمتر و ارتفاع آن ۱۸ تا ۲۰ سانتیمتر) تشکیل می یافت. درون این گورهای سفالی استخوانهای مردگان قرار داشت و در صورت ادامه حفاری در آنجا گورهائی دیگر از ادوار نزدیک باوایل اسلام (پیش از آن یا بعد از آن) پدیدار خواهد گشت و تنها از نظر علمی و تحقیقات تاریخی فایده هائی بر آن مترتب خواهد بود.

در سوی دیگر جاده محاذی محوطه شمالی خارج صقه تخت جمشید نیز بر اثر خاکبرداری های سال ۱۳۱۱ بقایای آتشکده معتبری از شاهان محلی پارس مربوط به دوران پس از سلطه اسکندر کشف گردید که در گاهی سنگی پهن و کوتاهی بانقش بر جسته دو نفر در حال عبادت بانه ستونها و آتشدان سنگی از آثار مهم آن محسوب میشود.

بمسافت دو کیلومتر مغرب صقه تخت جمشید در وسط جلگه بفاصله مختصری بر جانب راست جاده که بشیراز میرود آثار بنای زیر زمینی که از تخته سنگهای سفید ساخته اند ضمن کاوشهای سال ۱۳۳۰ بنگاه علمی تخت جمشید کشف

(۱) خاکبرداری و عملیات علمی تخت جمشید بر اثر مساعی دانشمند فقید پروفیسور هر تسفلد آلمانی و ریاست او با تحصیل اجازه از دولت شاهنشاهی در سال ۱۳۰۹ به هزینه بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو که ریاست آن با پروفیسور جیمس هانری برستد امریکائی (Prof - James Henry Breasted) بود آغاز گردید - از سال ۱۳۱۴ ریاست هیئت علمی مزبور بر عهده آقای دکتر اریک اشمیت امریکائی (Dr. Erick F. Shmidt) قرار گرفت و تا آبان ۱۳۱۸ عملیات علمی هیئت مزبور که حقاً و انصافاً خدمتی بس مهم و قابل ستایش بآثار معظم تخت جمشید بود ادامه یافت و از آن پس بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو بکار خود در آنجا خاتمه داد و بنگاه علمی تخت جمشید به دستور و نظر اداره کل باستان شناسی (وزارت فرهنگ) عملیات خاکبرداری و صیانت آثار مزبور را عهده دار گردیده است که تا کنون هم ادامه دارد.